

بی همان

هر مردی تنها می میرد

بی همان

هر مردی تنها می میرد

هر مردی تنها می میرد

Epub file
 ISBN 978-600-9906-79-0
 Jeder zucht für sich allein. Roman C.2011
 ۱۳۹۰
 ۸۵۶۶۱
 ۱۳۹۰
 ۱۳۹۰

سخن نویسنده

فصل اول

خطوط کلی رخدادهای این کتاب بر مبنای پرونده‌های گشتاپو از فعالیت‌های غیرقانونی زوجی کارگر از اهالی برلین در سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۲ شکل گرفته است، تنها خطوط کلی - رمان قواعد خود را دارد و نمی‌تواند دنباله‌رو صرف واقعیت باشد. نویسنده نیز به همین خاطر از کند و کاو در جزئیات زندگی شخصی این زوج خودداری کرده، چرا که باید از نگاه خود، تصویرشان می‌کرد. پس این دو نیز همچون دیگر شخصیت‌ها ساخته و پرداخته‌ی تخیل نویسنده هستند با این حال، نویسنده به «حقیقت درونی» روایت، وفادار بوده، حتی اگر برخی جزئیات کاملاً با واقعیت همخوانی نداشته باشند.

برلین، ۲۶ اکتبر ۱۹۴۶ ه. ف.

۱ خبر بد

افا کلوگه ای نامهرسان، آرام آرام از پله‌های ساختمان شماره‌ی ۵۵ در خیابان یابلونسکی بالا می‌رود. خستگی راه به کنار، آن چه بالا رفتن از این پله‌ها را برایش سخت‌تر از همیشه کرده، فکر رساندن نامه‌ای است که در کیف دارد؛ از آن نامه‌هایی است، که هیچ دلش نمی‌خواهد به مقصد برساند، و همین حالا، دو طبقه بالاتر، باید آن را به کوانگل‌ها تحویل دهد.

اول باید در همان طبقه روزنامه‌ی حزبی پرزیکه‌ها را به دستشان برساند. پرزیکه، صاحب‌منصب حزبی و از این جور چیزهاست، خلاصه توی حزب برای خودش کاره‌ای است - هر چند افا کلوگه از وقتی در اداره‌ی پست کار می‌کند، خود به خود عضو حزب هم شده، هنوز از عنوان‌های رسمی سر در نمی‌آورد و آن‌ها را با هم اشتباه می‌گیرد. هرچه باشد از آن‌هایی است که باید جلوشان «هایل هیتلر!» بگویند و مراقب باشد هر حرفی از دهانش بیرون نبرد. البته همه جا اوضاع همین است، این روزها آدمی که افا کلوگه بتواند حرف دلش را با او بزند، کم پیدا می‌شود. او اصلاً اهل سیاست نیست، فقط زن است و مثل هر زنی فکر می‌کند، آدم